

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نعیم سلیمی
۲۴ سپتمبر ۲۰۲۳



نعیم سلیمی

ریشه شناسی و نطفه شناسی اصطلاح نژاد

گفتم ز کجائی توتسخر زد و گفت ای جان
نیمیم ز ترکستان نیمیم ز فرغانه
نیمیم ز آب و گل نیمیم ز جان و دل
نیمیم لب دریا نیمی همه دردانه
گفتم که رفیقی کن بامن که منم خویشت
گفتا که بنشناسم من خویش ز بیگانه «مولوی»

برای دریافت توضیح هر چه بیشتر کلمه نژاد ما باید یک تعریف کلی از اتمولوژی داشته باشیم :
اتمولوژی عبارت است از مطالعه و بررسی ریشه های کلمات و اصطلاحات در قیدیت زمانی و تاریخی آن است که
قسماً به فلسفه زبانشناسی مرتبط می باشد. بحث اتمولوژی صرفاً چگونگی معانی لغات و کلمات را احتوا نمی کند ،
بلکه منظور از آن این است که واژه ها دارای چه مفهومی بوده و مثلاً اینکه این واژه ها در محدوده های زمانی ۶۰۰
سال قبل، ۱۰۰۰ و یا ۲۰۰۰ سال قبل چگونه بازتابی داشته اند. خلاصه مطلب این که موضوع اساسی و اصلی
اتمولوژی را توضیح و تشریح واژه ها تشکیل می دهد و بیس .
همچنان باید خاطر نشان ساخت که مفاهیم و اصطلاحات انتزاعی ، مطلق و مجرد نه بلکه پدیده های متحرک و
زنجیری را تشکیل می دهند که با همدیگر و جهان هستی مرتبط می باشند. کلمات ازلی و ابدی نبوده بلکه آنها در یک
مقطع خاص تاریخی مانند هر چیز دیگر تکوین و ایجاد شده اند، رشد و تکامل می یابند ، مستحیل می گردند و بالاخره
آرام آرام می میرند و جای خویش را برای تولد دیگری باز می کنند.
خوب! حالا ببینیم که نژاد چیست و ریشه های تاریخی آن از کجا نشأت نموده است. برای دریافت تعاریف جداگانه نژاد
بهتر است یک سری به دیکشنری آنلاین اتمولوژی بزینم که یکی از قاموس های پیشرفته تر تشریحی و توضیحی

انگلیسی لغات در ساحهٔ زبانشناسی می باشد. هر چند معانی توضیحی فراوانی برای نژاد ارائه گردیده اند؛ ولی من سعی می کنم ازین میان معمول ترین و کلی ترین آنها را برای خوانندگان گرامی برگزینم:

۱- جریان شدیدآب: اینگونه برداشت و مفهومی از نژاد در حوالی سالهای ۱۳۰۰ میلادی معمول بوده است که منظور از آن اساساً جریان شدید آب به جلو بوده است. این واژه از ریشه رس (Ras) زبان قدیمی نورس (Norse) به معنای شتاب آمده و از ریشه لغوی نارمن- فرانسوی داخل زبان فرانسوی شده و شاید هم واژه انگلیسی (Race) نژاد با معنای خاص آن "ناودان جاری" (به خصوص ناودان مصنوعی که برای آسیاب استفاده می گردد) از آن الهام گرفته باشد. این مفهوم برای نژاد در زبان انگلیسی از ۱۵۶۰ ثبت گردیده است.

۲- در حوالی سالهای ۱۲۰۰ میلادی واژه ریزن (Rasen) به مفهوم "تعجیل نمودن و یا عجله به خرچ دادن" معمول بوده است که از منابع سکاندنوی قریب به (Race) انگلیسی با وجه تسمیه اسمی آن داشته که به معنای "دوش تیز" از ۱۷۵۷ بدینسو مورد استعمال می باشد. البته به معنای دوش در رقابت های ورزشی نیز از سال ۱۸۰۹ به اینطرف معمول و استعمال گردیده است.

۳- مردمی با تبار و نسل مشترک: تعریف دیگری است که به نژاد داده شده است. این طرز دید به نژاد از واژه معمول قرن شانزدهم لغت نژاد، مرحله اوسطی در تاریخ زبان فرانسوی منشأ می گیرد که در اوایل (Razza) به معنای "نژاد، نسل، شجره، فامیل" معمول بوده و از قرن ۱۶ معانی فوق برای واژه مورد نظر، مروج بوده اند. شاید هم در دوره اوسط زبان فرانسوی از واژه ایتالوی غیر آشنا با ریشه مشترک Razz اسپانیایی و پرتگالی منشأ گرفته باشد.

این بود توضیح اجمالی دربارهٔ نژاد. حال سعی به عمل می آورم تا این موضوع را در لابه لای نشرات اکادمیک و رساله های متعددی که درین راستا به نشر رسیده اند جست و جو کنیم. به نظر من دایرة المعارف فلسفی دانشگاه ستانفورد می تواند یکی از مأخذ های خوبی در زمینه باشد. این دایرة المعارف رساله جامع و تحقیقاتی را درین راستا زیر عنوان "نژاد" که مؤلف آن مایکل جیمس می باشد به تاریخ ۲۸ می ۲۰۰۸ به نشر رسانیده است که بار دیگر با مرور مجدد بر آن در ۱۷ فیروری ۲۰۱۶ دوباره به چاپ رسید. این نوشته در بر گیرنده قسمت های ذیل می باشد:

۱- تاریخ محتوای نژاد

۲- آیا نژاد ها وجود دارند؟؛ بحث های معاصر فلسفی در زمینه نژاد

۳- نژاد معکوس قومیت

۴- نژاد در فلسفه اخلاق، سیاست و قانون

همچنان در ختم این رساله منابع ریفرنسی و اکادمیک، انترنتی و سایر تداخلات مطرح بحث نیز ضمیمه گردیده اند. من سعی می کنم تا نکات مهم و برجسته جنبه های تاریخی این اثر را که با چگونگی ظهور محتوای تاریخی این واژه ارتباط می گیرد با شما شریک سازم:

در پاراگراف هفتم قسمت اول می خوانیم که «موقف مسلط دانشمندی مبنی بر این است که نژاد حداقل یک پدیده مدرن در اروپا و قاره امریکا می باشد. توافق اندکی در زمینه وجود دارد که موضوع نژاد در جهان باستان، یونان و روم وجود داشته باشد.

تأثیر بسزای اثر کلاسیک فرانک سنودن (۱۹۷۰؛ ۱۹۸۳) مبنی بر تأکید فقدان تعصب ضد سیاه در جهان باستان، بسیاری دانشمندان را به این نتیجه رسانید که نژاد پرستی در آن عصر وجود نداشت...»

در پاراگراف متعاقب همانجا باز هم خاطر نشان گردیده است که «شاید اولین شور و هیجان غیر آگاهانه پیرامون موضوع نژاد در میان باشنندگان جزایر آیبیریا، قد برافراشته باشد. به دنبال فتح اندلوس در قرن هشتم (C, E) توسط

مور ها، جزایر آیبیریا به محل تلاقی و امتزاج بین یهودی ها ، مسیحیان و باورمندان اسلام مبدل گردید. در جریان واپسگیری و فتوحات مجدد امارات اسلامی درین جزایر، شاهان کاتولیک هر یک به نام های ایزابل و فردیناند سعی نمودند تا دولت منظم مسیحی را با اخراج یهودیان درگام اول در ۱۴۹۲ و بعداً مسلمانان در ۱۵۰۲، ایجاد کنند ؛ مگر از آنجائی که تعداد بزرگی از هر دوگروپ جهت جلوگیری از تبعید و تعجیز به مسیحیت بیعت کرده بودند، بناءً شاهان فوق الذکر اصلیت یهودیان و مسلمانان را زیرسؤال بردند. بدین ترتیب برای اطمینان به این که صرفاً مسیحیان مؤمن و معتقد در قلمرو سلطنت آنها زیست بکنند ، مفتش بزرگی به نام تورکومادا چگونگی تفتیش عقاید را دوباره تنظیم نمود و آن این که جهت بررسی متهمین صرفاً باعقاید و مراسم دینی شان تکیه نکرده بلکه باید نصب آنها را جست و جو کنند. تنها کسانی که می توانستند شجره خویش را به مسیحیانی که در برابر تهاجم مور ها مقاومت نمودند به نمایش بگذارند، از جایگاه امنی در قلمرو تاج و تخت سلطنتی برخوردار می شدند. به این ترتیب آیدیا Limpieza de Sangre و یا خون خالص با محتوای کاملاً بیولوژیکی آن و شاید هم وراثت خونی به مثابه عضویت دینی – سیاسی محتوای نژاد پا به عرصه وجود گذاشت»

مؤلف همچنان ادامه می دهد:

« جزایر آیبیریا شاید هم مشوقه های نخستین نژاد پرستی ضد سیاهان و ضد امریکائی های بومی را شاهد بوده باشد. زیرا این اولین منطقه ای در اروپا جهت بهره برداری از بردگی افریقا بود که به طور تدریجی غلامی مسیحیان اروپائی را به عقب می زدند. مسیحیان آیبیریا شاید به این نتیجه رسیده بودند که سیاهان از لحاظ ساختار جسمانی و فکری برای نوکری و کار آماده هستند . درین رابطه تجار برده دار اعراب که دارای تجارب خوبی در محول نمودن و کار شاقه به بردگان سیاه پوست شان بودند و کار های بخرنج را به غلامان دارای جلد روشن و یا قهوه ئی محول می کردند، تأثیر بسزائی را بالای آیبیریائی هاداشتند... »

در اختتام این نوشته کوتاه فقط یاد آور می شوم که مقوله نژاد از آغاز تمدن بشر وجود داشته است. طوری که مشاهده می کنید پیدایش و رشد ایده نژاد پرستی با تاریخ استعمار، تکوین ، رشد و تکامل نظام سرمایه داری در اروپا متولد گردیده است. بناءً نتیجه قطعی حاصله جهت امحای نژادپرستی مستلزم مبارزه علیه غول سرمایه و امحای آن می باشد . تاریخ بدیل دیگری را سراغ ندارد .

پایان